گلشن مهر

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

شنبه ۱۶ آبان ماه ۱۴۰۵/ سال بیست و هشتم/شماره ۳۲۸۷/ ۸ صفحه / ۲۵۰۰۰ تومان

۳ ۲۰ هزار کشاورز بدون چتر حمایتی بیمه «



۳ آبرسانی به روستاهای نوارمرزی گنبدکاووس آغاز شد «



٤ موشکافی در روش پژوهش زرین کوب «





٦ مایع خودرو که بی توجهی به آنها دردسرسازمی‌شود «۵»



قولنامه‌های‌قدیمی در برابر قانون جدید «۷»



جادوی نور در خانه‌های کوچک؛ چطور فضا را دلباز و روشن کنیم؟ «۸»

تشکل‌های کشاورزی فراموش شده‌اند



عیسی زندی- کشاورزی در گلستان یکی از ستون‌های اصلی اقتصاد استان و معیشت بخش بزرگی از جمعیت روستایی است؛ اما واقعیت این است که برخورداری از ظرفیت بالای تولید، لزوما به معنای برخورداری کشاورزان از درآمد مناسب، امنیت اقتصادی و سهم عادلانه از بازار نیست. بله تنوع و میزان تولید محصولات کشاورزی در گلستان خوب است اما آنچه مهم تر است چگونگی حفظ منافع تولیدکننده، مدیریت هزینه‌ها، کاهش ریسک اقتصادی، دسترسی به بازار مطمئن و برخورداری از ارزش افزوده‌ای است که بخش مهمی از آن، متاسفانه، در خارج از مزرعه نصیب حلقه‌های دیگر زنجیره می‌شود. در چنین شرایطی، توانمندسازی تشکل‌های کشاورزی ضرورتی راهبردی برای نجات اقتصاد تولید و بازگرداندن قدرت تصمیم‌گیری به جامعه کشاورزی است. باید صریح گفت تا زمانی که تشکل‌های کشاورزی عمدتا درگیر مکاتبات اداری، جلسات مناسبتی، پیگیری مطالبات روزمره و ایفای نقش‌های محدود اجرایی باشند، نمی‌توان انتظار داشت در معادلات پیچیده اقتصاد کشاورزی تاثیر تعیین‌کننده‌ای بگذارند. تشکل واقعی باید از جایگاه یک نهاد صرفا مطالبه‌گر عبور کند و به بازیگری اقتصادی، تخصصی و اثرگذار در تمام مراحل زنجیره ارزش تبدیل شود؛ بازیگری که از تامین نهاده و برنامه‌ریزی تولید تا خرید، انبارداری، فرآوری، بسته‌بندی، بازاریابی، صادرات و تنظیم بازار حضور موثر داشته باشد. حمایت از تشکل‌ها نیز نباید به صدور مجوز، برگزاری همایش و توصیه به مشارکت محدود شود.

ادامه در صفحه۲

قالیشویی کریم آبادی

قالی هایتان را تمیز و درخشان از ما تحویل بگیرید.

شماره تماس: ۰۹۳۳۵۶۰۹۵۲۷

۰۹۱۱۹۶۹۴۵۰۵

یادداشت اول

به بهانه ۱۴ آبان روز فرهنگ عمومی

استان فرهنگ ها

■ **فاطمه سراوانی**

گلستان را با تنوع قومی‌اش می شناسند این استان، روایتی زنده از هم‌نشینی فرهنگ‌هایی است که هر یک زبان، آیین، موسیقی، حافظه ی تاریخی و شیوه زیست خاص خود را دارند. ترکمن‌ها، فارس‌ها، ترک‌ها، سیستانی‌ها، بلوچ‌ها و دیگر قومیت ها، در کنار یکدیگر سیمای اجتماعی گلستان را شکل داده‌اند؛ ظرفیتی که فراتر از یک جاذبه گردشگری، می‌تواند به الگویی برای فهم وحدت در عین تکثر تبدیل شود. اما تنوع فرهنگی، به‌خودی‌خود نه ضامن هم‌زیستی پایدار و نه تضمین‌کننده توسعه است. آنچه این سرمایه را به نیرویی موثر در زندگی اجتماعی تبدیل می‌کند، سیاست‌گذاری هوشمندانه فرهنگی است؛ سیاست‌گذاری‌ای که فرهنگ را از حاشیه برنامه‌های اجرایی بیرون بیاورد و آن را در متن تصمیم‌های مربوط به آموزش، اقتصاد، گردشگری، رسانه، مدیریت شهری و توسعه منطقه‌ای قرار دهد. چنین رویکردی با برگزاری چند جشنواره قومی، نمایش لباس‌های محلی یا بزرگداشت آیین‌های بومی محقق نمی‌شود. این برنامه‌ها ارزشمندند، اما اگر به اقداماتی مناسبتی محدود بمانند، بخش مهمی از ظرفیت فرهنگ را نادیده می‌گیرند. سیاست فرهنگی موثر باید به حفظ زبان‌های بومی، انتقال میراث ناملموس به نسل جوان، حمایت پایدار از هنرمندان محلی، ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای صاحبان صنایع‌دستی و ثبت روایت‌های شفاهی و تاریخی اقوام نیز توجه کند. مهم‌تر از همه، باید میان حفظ هویت فرهنگی و نیازهای واقعی زندگی امروز پیوند برقرار سازد. در این میان، یک اصل اساسی نباید در هیاهوی شعارهای فرهنگی گم شود و آن این است که حضور واقعی نمایندگان فرهنگ‌های مختلف در تصمیم‌گیری فرهنگی، نه یک امتیاز تشریفاتی، بلکه شرط لازم برای سیاست‌گذاری عادلانه و اثربخش است. نمی‌توان درباره فرهنگ یک جامعه تصمیم گرفت، بی‌آنکه صاحبان آن فرهنگ در تعریف مسئله، تعیین اولویت‌ها، تخصیص منابع و ارزیابی نتایج سهم موثر داشته باشند...

ادامه در صفحه۲

ادامه یادداشت اول

استان فرهنگ ها

حضور هنرمندان بومی، پژوهشگران، معتمدان محلی، زنان، جوانان و نمایندگان گروه‌های قومی باید از سطح دعوت به مراسم و نشست‌های نمادین فراتر برود و به مشارکت مستمر و اثرگذار در شوراها و سازوکارهای تصمیم‌گیری برسد. این مشارکت زمانی معنا پیدا می‌کند که پیشنهادهای این افراد قابلیت اثرگذاری بر بودجه، برنامه‌ها و اولویت‌های اجرایی را داشته باشد؛ نه اینکه فقط برای تایید تصمیم‌هایی از پیش گرفته‌شده فراخوانده شوند. ضمن اینکه هیچ فرد یا گروه محدودی نباید نماینده تمام صداهای درون یک فرهنگ تلقی شود. تنوع درون‌قومی، تفاوت نسل‌ها و تجربه‌های متفاوت زنان و مردان نیز باید در این فرایند دیده شود. گلستان برای آنکه شایسته عنوان استان فرهنگ‌ها باشد، باید از مدیریت نمایشی به سوی حکمرانی مشارکتی فرهنگی برود؛ حکمرانی‌ای که در آن مردم فقط موضوع برنامه‌های فرهنگی نیستند، بلکه در شکل‌دادن به آن‌ها نقش دارند. شاید معیار واقعی موفقیت گلستان همین باشد نه فقط اینکه فرهنگ‌های گوناگون در این سرزمین حضور دارند، بلکه اینکه آیا صاحبان این فرهنگ‌ها در ساختن آینده مشترک خود، به یک اندازه امکان شنیده‌شدن و اثرگذاری دارند؟

وحدت، یک‌شکل‌شدن نیست؛ وحدت توافق بر سر ساختن آینده‌ای مشترک است، بی‌آنکه تفاوت‌ها قربانی آن شوند. گلستان باید این حقیقت را از یک ویژگی تاریخی به یک دستاورد پایدار اجتماعی تبدیل کند اما شرط انجام این مهم این است که تنوع فرهنگی، نه فقط در قاب تصویر، بلکه در متن قدرت تصمیم‌گیری نیز دیده شود.

ادامه تیتر اول



پنبه، که روزگاری یکی از نمادهای هویت اقتصادی استان بود، از سطح زیر کشت حدود ۱۵۰ هزار هکتار در گذشته به حدود ۸۵۰۰ تا ۹ هزار هکتار در سال‌های اخیر رسیده است

تشکل بدون سرمایه در گردش، مدیریت حرفه‌ای، زیرساخت، اطلاعات بازار، نیروی انسانی متخصص و اختیار عملیاتی، فقط نامی از مشارکت را یدک می‌کشد. نگاهی به وضعیت محصولات راهبردی گلستان، ضرورت این تحول را روشن‌تر می‌کند. پنبه، که روزگاری یکی از نمادهای هویت اقتصادی استان بود، از سطح زیرکشت حدود ۱۵۰ هزار هکتار در گذشته به حدود ۸۵۰۰ تا ۹ هزار هکتار در سال‌های اخیر رسیده است. این عقب‌نشینی را نمی‌توان فقط به تغییر ذائقه کشاورزان نسبت داد؛ کاهش جذابیت اقتصادی تولید، مشکلات بازار، محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و گسست میان مزرعه و صنایع وابسته، در این روند نقش تعیین کننده دارند. احیای پنبه با صدور بخشنامه و تشویق به افزایش سطح کشت اتفاق نمی‌افتد؛ بلکه به بازسازی زنجیره‌ای نیاز دارد که از تامین بذر و نهاده آغاز شود و تا پنبه‌پاک‌کنی، روغن‌کشی، صنایع نساجی و بازار مصرف امتداد یابد. تشکل‌های تخصصی پنبه باید در این مسیر صاحب نقش، اختیار و مسئولیت شوند. در حوزه برنج نیز شالیکار زمانی از تولید خود منتفع می‌شود که امکان خشک‌کردن اصولی، نگهداری، شالیکوبی، بسته‌بندی، برندسازی و عرضه مستقیم محصول را داشته باشد. ورود شبکه تعاون روستایی گلستان به خرید و عرضه برنج و فعالیت چهار کارخانه شالیکوبی با مشارکت این شبکه، ظرفیت ارزشمندی است؛ اما پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان این ظرفیت‌ها را به شبکه‌ای پایدار و فراگیر برای افزایش قدرت اقتصادی کشاورزان تبدیل کرد؟ آیا همه تولیدکنندگان، به‌ویژه بهره‌برداران خرد، از فرصت‌های این شبکه برخوردارند؟ آیا قیمت‌گذاری، زمان پرداخت مطالبات و دسترسی به امکانات فرآوری به اندازه کافی شفاف و عادلانه است؟ این پرسش‌ها باید در ارزیابی عملکرد تشکل‌ها جدی گرفته شوند. در سایر بخش‌ها نیز همین ضرورت وجود دارد؛ از گندم و دانه‌های روغنی تا .....، گیاهان دارویی، محصولات باغی، طیور و آبزی‌پروری. گلستان در حال حاضر محصولات را تولید می کند، اما سود اصلی فرآوری، بسته‌بندی، تجارت و بازاریابی در جغرافیایی دیگر شکل می گیرد. گزارش‌های اخیر درباره تسهیل صدور مجوز صنایع تبدیلی در استان و شناسایی محورهایی مانند مرغ، گندم و.... نشان می‌دهد امروز موضوع تکمیل زنجیره ارزش به یکی از مطالبات جدی توسعه اقتصادی گلستان تبدیل شده است. با این حال، فاصله میان طرح و اجرا همچنان بسیار است. داشتن ظرفیت تولید، معرفی فرصت سرمایه‌گذاری و اعلام برنامه، تا زمانی که به قرارداد خرید، واحد فرآوری فعال، بازار پایدار و افزایش درآمد کشاورز منجر نشود، نمی‌تواند معیار موفقیت تلقی شود. نکته مهم‌تر، جایگاه تشکل‌ها در تنظیم بازار است. تنظیم بازار نباید به مداخله‌های مقطعی، خریدهای دیرهنگام و تصمیم‌گیری پس از انباشته‌شدن محصول در انبار کشاورزان محدود بماند. تشکل‌های توانمند باید پیش از آغاز فصل کشت و برداشت، از میزان تولید، نیاز بازار، ظرفیت انبارها، وضعیت صنایع تبدیلی، تقاضای مصرف‌کنندگان و فرصت‌های صادراتی تصویر روشنی داشته باشند. بر همین اساس، می‌توان برای هر محصول، تقویم تولید و بازاررسانی تدوین کرد، قراردادهای پیش‌فروش و خرید توافقی را توسعه داد و با ایجاد سامانه‌های شفاف اطلاعاتی، فاصله میان تولیدکننده و خریدار را کاهش داد. تجربه‌های مطرح‌شده در سطح ملی درباره هوشمندسازی تعاون روستایی و برنامه‌ریزی پیش‌دستانه تنظیم بازار نیز بر همین ضرورت تاکید دارند. البته فناوری زمانی ارزشمند است که اطلاعات آن در اختیار کشاورز و تشکل قرار گیرد و به ابزار انحصار اطلاعاتی تبدیل نشود. از سوی دیگر، باید یک واقعیت تلخ را نیز پذیرفت اینکه همه تشکل‌ها الزاما کارآمد، پاسخ‌گو و برخوردار از سلامت مدیریتی نیستند. نمی‌توان فقط با عنوان مردمی و کشاورزپایه بودن، عملکرد هر مجموعه‌ای را تایید کرد. گاهی ضعف مدیریت، نبود شفافیت مالی، تعارض منافع، وابستگی به تصمیمات اداری و فاصله گرفتن مدیران تشکل‌ها از بدنه واقعی تولیدکنندگان، خود به مانعی در مسیر حمایت از کشاورز تبدیل می‌شود. بنابراین توانمندسازی باید هم‌زمان با پاسخ‌گوسازی پیش برود. انتشار عمومی گزارش‌های مالی، نظارت بر عملکرد هیئت‌مدیره، برگزاری انتخابات واقعی، ارزیابی رضایت اعضا و سنجش میزان منفعت اقتصادی ایجادشده برای کشاورزان باید به شاخص‌های اصلی ارزیابی تشکل‌ها تبدیل شود. واگذاری مسئولیت بدون نظارت، همان‌قدر خطرناک است که سلب اختیار از تشکل‌ها. در این میان، مسئولیت سازمان جهاد کشاورزی و مدیریت تعاون روستایی گلستان، بسیار فراتر از حمایت‌های اداری است. این دستگاه‌ها باید زمینه دسترسی تشکل‌ها به تسهیلات هدفمند، سرمایه در گردش، زیرساخت‌های نگهداری و فرآوری، آموزش مدیریت اقتصادی، مشاوره حقوقی و بازارهای داخلی و خارجی را فراهم کنند. همچنین لازم است ارتباط تشکل‌ها با دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی، شرکت‌های دانش‌بنیان، صنایع تبدیلی و شبکه‌های توزیع تقویت شود. حمایت مالی نیز باید بر اساس برنامه اقتصادی مشخص، میزان مشارکت واقعی کشاورزان و نتایج قابل اندازه‌گیری صورت گیرد. در کنار این اقدامات، ضروری است برای تشکل‌های تخصصی هر محصول، نقشه راه جداگانه‌ای طراحی شود. تشکل گندم باید در خرید، ذخیره‌سازی و بازار نهاده نقش داشته باشد؛ تشکل برنج باید از فرآوری تا برندسازی و عرضه را دنبال کند؛ تشکل پنبه باید پیوند میان مزرعه و صنایع نساجی را بازسازی کند و تشکل‌های دام، طیور و آبزیان باید برای کاهش هزینه خوراک، تامین نهاده و توسعه بازار مشترک ظرفیت‌سازی کنند. تغییر نگاه در مدیریت کشاورزی استان امروز قطعا یک ضرورت است؛ تغییر از تولیدمحوری صرف به اقتصاد زنجیره‌محور و از حمایت‌های مقطعی به توانمندسازی نهادی. تشکل‌ها باید از حاشیه تصمیم‌سازی به متن تصمیم‌گیری بیایند و در مقابل، مسئولیت عملکرد خود را نیز بپذیرند. معیار موفقیت هم کاهش هزینه تولید، کوتاه‌شدن فاصله قیمت مزرعه تا بازار مصرف، افزایش سهم کشاورز از ارزش افزوده، کاهش ضایعات، توسعه فرآوری، پایداری اشتغال روستایی و بهبود قدرت چانه‌زنی تولیدکنندگان خواهد بود. حقیقت این است که کشاورز گلستانی باید در تمام مراحل تصمیم‌گیری اقتصادی، از انتخاب الگوی کشت تا تعیین مسیر فروش محصول، صاحب سهم باشد. تشکل توانمند، تشکلی است که بتواند در برابر نوسانات بازار، واسطه‌گری غیرضروری، تصمیمات ناپایدار و بی‌عدالتی در توزیع ارزش اقتصادی، از منافع اعضای خود دفاع کند. اگر قرار است کشاورزی گلستان از چرخه تکراری تولید، فروش خام، نارضایتی و بازگشت به نقطه آغاز عبور کند، باید تشکل‌های کشاورزی را از نهادهای کم‌اختیار و کم تاثیر اگر نگوییم بی تاثیر به قدرت اقتصادی سازمان‌یافته تولیدکنندگان تبدیل کرد. کشاورز باید در اقتصاد محصول خود نیز سهم و اختیار داشته باشد. این همان معنای واقعی توانمندسازی تشکل‌ها و شرط اساسی تحقق عدالت در زنجیره ارزش کشاورزی است.

۲۰ هزار کشاورز بدون چتر حمایتی بیمه



آمارها نشان می‌دهد با وجود تمامی مخاطرات جوی در گلستان، هنوز حدود ۲۰ هزار نفر از بهره‌برداران بخش کشاورزی گلستان هیچ سهمی از چتر حمایتی بیمه ندارند. به گزارش مهر، بخش کشاورزی استان گلستان با دارا بودن صدها هزار هکتار اراضی مستعد و ده‌ها هزار بهره‌بردار، همواره در خط مقدم تأمین امنیت غذایی کشور قرار داشته است؛ حوزه‌ای که با وجود نقش‌آفرینی بی‌بدیل در اقتصاد و اشتغال استان، به شدت در معرض آسیب مخاطرات قهر طبیعت از جمله خشکسالی‌های فرسایشی، سیل و نوسانات شدید جوی قرار دارد. در این میان،بیمه محصولات کشاورزی به عنوان تنها سپر حمایتی و اقتصادی زارعان در برابر حوادث غیرمترقبه شناخته می‌شود، با این وجود آمارها حاکی از آن است هنوز تعداد بسیار زیادی از کشاورزان گلستانی بدون چتر حمایتی بیمه به کشت و کار ادامه می دهند. معاون برنامه ریزی و امور اقتصادی جهاد کشاورزی گلستان با اشاره به کارنامه بیمه محصولات کشاورزی در استان اظهار کرد: در سال زراعی گذشته، ۸۵ هزار نفر از بهره‌برداران بخش کشاورزی استان در سطحی معادل ٤٦١ هزار هکتار اراضی خود را تحت پوشش بیمه محصولات قرار دادند. حمید حسین پور افزود: با توجه به اهمیت ارتقای ضریب امنیت غذایی و کاهش ریسک تولید، برای سال زراعی جدید هدف‌گذاری سازمان جهاد کشاورزی استان دستیابی به پوشش ٦۰۰ هزار هکتاری اراضی و افزایش تعداد بهره‌برداران زیر چتر بیمه به ۱۰۰ هزار نفر است.معاون برنامه ریزی و امور اقتصادی جهاد کشاورزی گلستان با تشریح پراکندگی جغرافیایی و نوع محصولات تحت پوشش بیمه خاطرنشان کرد: شهرستان گنبدکاووس بیشترین و شهرستان بندرگز کمترین سهم را در پوشش بیمه‌ای استان به خود اختصاص داده‌اند، همچنین از نظر نوع محصول، مزارع گندم آبی و دیم بیشترین استقبال و محصول سویا کمترین سطح پوشش بیمه را داشته‌اند. حسین‌پور درباره چرایی این تفاوت آماری توضیح داد: تفاوت در سطح زیر کشت، پایین بودن ریسک خسارت‌پذیری در برخی محصولات و مناطق خاص و همچنین تفاوت شرایط اقلیمی شهرستان‌ها، از مهم‌ترین علل نوسان استقبال کشاورزان از خدمات صندوق بیمه بوده است. وی با ابراز نگرانی از عدم پوشش بخشی از جامعه کشاورزی استان یادآور شد: برآوردها نشان می‌دهد حدود ۲۰ هزار نفر از بهره‌برداران گلستانی همچنان فاقد هرگونه پوشش بیمه‌ای هستند. معاون برنامه ریزی و امور اقتصادی جهاد کشاورزی گلستان به ریشه‌یابی این چالش پرداخت و گفت: عوامل متعددی از جمله ضعف آگاهی کشاورزان نسبت به مزایای بیمه، تکیه سنتی و توکل‌محور برخی زارعان بدون لحاظ کردن ابزارهای حفاظتی مدرن، مشکلات مالی در تأمین سهم حق‌بیمه و به‌طور کلی پایین بودن فرهنگ بیمه‌ای در میان بخشی از تولیدکنندگان، سبب جاماندن این افراد از چتر حمایتی شده است. حسین پور با اشاره به وضعیت تغییر در شیوه ارزیابی خسارت با توجه به مخاطرات جوی استان تأکید کرد: گرچه شیوه ارزیابی خسارت بر پایه بازدیدهای میدانی و بررسی‌های کارشناسی بدون تغییر باقی مانده، اما سقف غرامت‌های پرداختی به کشاورزان افزایش یافته است. وی ادامه داد: خوشبختانه با تصمیمات اتخاذشده، ۱۷ محصول اساسی و راهبردی زراعی استان گلستان ذیل چتر بیمه فراگیر قرار گرفته‌اند که در این طرح، تمام سهم حق‌بیمه توسط دولت پرداخت می‌شود تا انگیزه و توان زارعان برای محافظت از مزارع ارتقا یابد.

آبرسانی به روستاهای نوارمرزی گنبدکاووس آغاز شد

عملیات اجرایی پروژه بزرگ آبرسانی به هفت روستای فاقد آب آشامیدنی «آق‌بند، پشه‌لر، نارلی داغ، اوچ قویی، ماسان کوب، آرتق قلی چشمه و قره دونگ» از توابع بخش داشلی برون گنبدکاووس در قالب مجتمع آبرسانی فجر پنج با حضور آرش کردی معاون مالی، حقوقی و مجلس وزیر نیرو و برخی مدیران استانی و این شهرستان مرزی آغاز شد. به گزارش روابط عمومی، اعتبار پیش بینی شده برای این طرح شامل احداث ۷۲ کیلومتر خط انتقال، ایستگاه پمپاژ و مخازن تامین آب با ظرفیت ۲ هزار مترمکعب در مجموع ٤۰۰۰ میلیارد ریال از منابع ملی است و با اجرای این طرح آبرسانی اهالی این روستاها با جمعیت هفت هزار نفر از آب آشامیدنی لوله کشی برخوردار خواهند شد. توجه به‌مناطق کم برخوردار روستایی و مرزی گلستان و تلاش برای گره‌گشایی از مشکلات ساکنان این مناطق بویژه رفع تنش آبی و تامین آب آشامیدنی پایدار با ایجاد و تکمیل زیرساخت‌ها و تقویت ناوگان آبرسانی سیار از رویکردها و اقدامات مهم دولت چهاردهم در این استان شمالی به شمار می‌رود.گنبدکاووس دومین شهرستان بزرگ گلستان است که بخش قابل توجه‌ای از اهالی روستاهای مناطق مرزی آن با مشکل آب آشامیدنی و محدودیت منابع آبی مواجه بوده و به گفته حسین سعیدی راد، مدیر امور آب و فاضلاب این شهرستان هم اکنون به ۱٤ روستای نواحی مرزی بخش داشلی برون به‌صورت سیار آبرسانی می‌شود.

سازمان همیاری شهرداریهای استان گلستان در نظر دارد

نسبت به فراخوان عمومی (نوبت دوم) مشارکت در سرمایه گذاری احداث مجتمع گردشگری تفریحی و توریستی واقع در اراضی ساحلی شهر بندرترکمن در عرصه ای به مساحت ٤۵۰۰۰ مترمربع اقدام نماید.

متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد فراخوان در ساعات اداری روز شنبه مورخ ۱٤۰۵/۰۸/۱٦ لغایت پنج شنبه ۱٤۰۵/۰۸/۲۱ (در ایام کاری) به دبیرخانه سازمان همیاری شهرداریهای استان گلستان به آدرس ذیل مراجعه نمایند:

آدرس سازمان: واقع در میدان بسیج - سایت اداری استان- خ شهید گمنام یکم- طبقه اول

زمان دریافت اسناد فراخوان: از روز شنبه مورخ ۱٤۰۵/۰۸/۱٦ لغایت پنج شنبه مورخ ۱٤۰۵/۰۸/۲۱

پوریا میرزازنجانی– مدیرعامل سازمان همیاری شهرداریهای استان گلستان– شناسه آگهی ۲۳۱۸۷۳۱

معماری داستان امروز

تن‌روایتی؛
بازگشت حواس پنج گانه به کالبد متن (۱۰)

یوسف قوجّق

سال‌هاست که «روان‌شناسی شخصیت» در داستان، در قلمرو تک‌گویی‌های ذهنی، دیالوگ‌های پرطمطراق و خاطره‌بازی‌های انتزاعی حبس شده است. اما یکی از گرایش‌های نو در روایت معاصر، تمرکز بر زیست فیزیولوژیک و بیولوژیک کاراکتر یا «تن‌روایتی» است. در این شیوه نو، کالبد جسمانی تنها ظرفی برای حمل روح کاراکتر نیست، بلکه خود مبدأ شناخت، آرشیو تروماها و موتور محرک کنش‌های پیرنگ به شمار می‌رود. در این شیوه روایی، راوی جهان پیرامون را نه با استدلال‌های ذهنی، بلکه با گرفتگی ناگهانی عضلات، هجوم بوی عرق، سوزش پوست، تپش نامنظم رگ گردن و تغییرات ترشح غدد درک و گزارش می‌کند. تاریخ رنج‌ها، فقر، تبعیض و خشونت بر ماهیچه‌ها و استخوان‌های شخصیت حک شده است. کلمات دیگر صرفاً انتزاعی و بصری نیستند؛ طعم خون دارند، بوی خاک خیس می‌دهند و زبری اشیا را به سرانگشت خواننده منتقل می‌کنند تا ارتباطی ارگانیک و بی‌واسطه برقرار شود.

نکته کارگاهی حیاتی:

افتادن در ورطه توصیف‌های صرفاً تهوع‌آور، کثیف‌نگاری‌های ژورنالیستی یا سیاه‌نمایی‌های اروتیک و بیمارگون، بزرگ‌ترین تله تن‌روایتی است. جسمانیت در متن تنها زمانی اثرگذار است که بتواند وضعیت زیباشناختی و هستی‌شناختی شخصیت را دگرگون کند. بازنمایی واکنش‌های فیزیکی تن باید معنای عاطفی صحنه را متحول سازد، نه آنکه صرفاً سیاهه ملال‌آوری از ترشحات و دردها باشد. تن باید در مقام آینه‌ای عمل کند که فروپاشی جامعه، استبداد محیط و هراس‌های فلسفی را پیش از آنکه ذهن، فرصت تحلیل یابد، هشدار دهد.

موشکافی در روش پژوهش زرین کوب

آیا زرین کوب پژوهش گری سرسری و خیال پرداز بود؟

هادی راشد

زرین کوب و پژوهش گری

استاد بهاءالدین خرمشاهی، پژوهش‌گر پرکارِ دانش‌های قرآنی و حافظ‌شناسی، جایی درباره‌ی دو قرن سکوت گفته است: آن کتاب برعکس همه دیگر آثار ایشان چندان تحقیقی نیست ... شاید برای جوان‌ها نوشته شده بوده. اما دورانش سرآمده و امروزه برای کسانی که با این همه آثار مهم در تاریخ گذشته ما روبه‌رو هستند، چیز عمده‌ای در برندارد، اما "کارنامه اسلام" دست‌کم ۳۰ سال[!] با زمان تألیف "دو قرن سکوت" فاصله دارد. ... اگر به موضوع کار دکتر زرین‌کوب نگاه کنیم هم ایران‌شناسی و هم اسلام‌شناسی را شامل می‌شود. کارنامه اسلام کتاب کوچکی است، اما بسیار پربار است و هرکسی که می‌خواهد با فرهنگ کهن اسلامی و تاریخ صدر اسلام آشنا شود ... می‌تواند این کتاب را مطالعه کند» (صدا، ش۵۱، شهریور ۱۳۹٤). درون‌مایه‌ی سخن خرمشاهی، بارها از سوی دیگران گفته شده است. هیچ‌یک از کسانی که دو قرن سکوت، نخستین پژوهش زرین‌کوب را با پرسش روبه‌رو می‌کنند، تاکنون دریافت خود را از این کتاب با نمونه‌های سخن زرین‌کوب درست‌انگاری نکرده‌اند. آن‌چه عبدالنبی قیم نوشته است نیز بازتاب فرو رفتن در «اشتباحاتِ» دانایی است، وگرنه کدام پژوهش‌گری نویسنده‌ی دو قرن سکوت را «مغرض» و «دروغ‌گو» می‌خواند؟! دو قرن سکوت، افزون بر چاپ‌های زیرمیزی، در سی سال گذشته، به گونه‌ی رومیزی نیز، ده‌ها بار چاپ شده است. شاید سخن پژوهش‌گر فرهیخته درباره‌ی جوان‌پسند بودن به کژتابی گراییده باشد، اما نوشته‌های زرین‌کوب نشانه‌ی جوانی، ـنه خامی؛ و شادابی و پویایی دانش‌کده‌ی ادبیات در آن روزگار است. در این‌جا با یادآوری نمونه‌ای از ژرف‌پویی زرین‌کوب در دو قرن سکوت، می‌کوشم ارزش پژوهش او را آن‌گاه که از دید دیگران «چندان تحقیقی» هم نیست، بازنمایی کنم.

جابه‌جایی دیوان عراق از فارسی به عربی

دو قرن سکوت، چنان که زرین‌کوب یادآوری کرده، پژوهشی درباره‌ی سرگذشت زبان فارسی در دو سده‌ی پس از فروپاشی ساسانیان است. گرانی‌گاه این پژوهش بر ناپدید شدنِ زبان فارسی از دست‌گاه دیوانی در سرزمین میان‌رودانَ استوار است. زرین‌کوب در نشان دادن این رخ‌داد، گزارش بَلاذُری نویسنده‌ی سده‌ی سوم را برمی‌گزیند. گزارش بلاذری به رشته‌ای از جستارها درباره‌ی چگونگی کنار گذاشته شدن زبان فارسی انجامیده است. محمدی ملایری (المترجمون و النقله، ۱۳٤٤؛ نقل دیوان عراق، ۱۳٤۹؛ فرهنگ ایران پیش از اسلام، ۱۳٥٤؛ تاریخ و فرهنگ ایران، پیوست، ۱۳۷۹) پژوهش گسترده درباره‌ی این جابه‌جایی را از دید خود بازگو کرده است (گزارش گسترده را در پاره‌های آینده‌ی «بازخوانی دو قرن سکوت پس از هفتادوهفت سال»، از هم‌این پنجره دنبال کنید). نویسنده‌ای به نام رضا مدنی در سال ۱۳٦٥ (آینده، ش ۹ و ۱۰، سه واژه فارسی در ...) از محمدی پرسیده است، آیا این یافته، پژوهش شماست؟ یا در رسیدن به این یافته‌ها از پژوهش دخویه و اُلس‌هاوزن بهره برده‌اید؟ محمدی ملایری در پاسخ به مدنی (آینده، ۱۳٦٦، آخرین شماره) نوشت، برای گره‌گشایی از واژگان کاربردی فتوح درباره‌ی جابه‌جایی دیوان، تنها به دانش خود بسنده کرده است، و از سخن آذرنوش در برگردان فتوح‌البلدان دریافته است «صاحب‌نظرانی همچون دخویه و دزی و مینوی و فرزاد و تجدد راه حلی برای واژهٔ ششویه ... نیافته‌اند. استاد آذرنوش در برگردان فتوح نوشت: «ششویه یعنی "نصف ده" یعنی در حقیقت پنجویه. اما در همهٔ نسخ ششویه است. این مسئله برای دوخویه نیز حل ناشده ماند. وی در تعلیقات خود بر فتوح‌البلدان می‌گوید از دزی تقاضای حل آن را کرد و او نیز ترجمهٔ صحیحی بدست نیاورد.» آذرنوش آن‌گاه می‌افزاید، تجدد در برگردان الفهرست، نوشته است: «از آن باب، ششویه می‌گفته‌اند که زکوهٔ بر شش بخش می‌شده و یک بخش آن را برمی‌داشتند ... ولی این توجیه هم مورد پسند استاد مینوی واقع نگردید.» او متن عربی را بر پایه‌ی دریافت محمدی ملایری در کتاب المترجمون (بیروت، ۱۹٦٦)، به فارسی درآورد.

واژگان فتوح در گزارش نویسندگان ایرانی

پس از چاپ انگلیسی تاریخ ادبیات براون، نویسندگان ایرانی مانند همایی، فروزانفر و ... با آگاهی جسته‌گریخته از گفتارهای آن کتاب، به ارزش گزارش بلاذری از جابه‌جایی دیوان پی بردند و داستان کنار گذاشته شدن زبان فارسی را از دست‌گاه فرمان‌رویی در تاریخ ادبی خود آوردند. براون جابه‌جایی دیوان را رخ‌دادی نشانه‌ی دگرگونی سنجه‌های شمارش گزیت و کنار گذاشتن زبان فارسی دید. گویی میان این دو در نوسان بود. فروزانفر هم‌این نگرش را در تاریخ ادبیات (ویرایش مجیدی، نوشتار ۱۳۰۸ـ۱۳۱۷، ویرایش ضیاءالدین سجادی، تندنویسی از درس‌های ۱۳۲۲ـ۱۳۲٤) دنبال کرد. برگردان فارسی تاریخ ادَبیاتِ براون در سال ۱۳۳٥ به چاپ رسید. در این برگردان می‌خوانیم: «محاسبات دولت که به فارسی نگاه داشته می‌شد به زبان عربی درآمد.» این سخن دوپهلو است، «محاسبه» پی‌رو دست‌گاه، روش و نشانگانِ ویژه‌ی شمارش است. شالوده‌ی یک دست‌گاه شمارشِ در هر زبان، هم‌آن است؛ می‌توان نشانگان را اندکی دگرسان کرد، اما بی جابه‌جایی دست‌گاه شمارش، نمی‌توان از دگرگونی آن در زبان سخن گفت. اشاره‌ی براون به سردرگمی پژوهش‌گران ایرانی راه داد. برخی مانند فروزانفر، هم‌این سخن دو پهلو را بازگفتند: هم از دگرگونی شمارش و پایه‌گذاری یک دست‌گاه تازه مانند حساب سیاق سخن گفتند، و هم از کنار گذاشتن زبان پهلوی و جای‌گزین ساختن عربی: «زبان پهلوی تا اواخر قرن اول در دواوین عربی به کار می‌رفته تا این که دیوان را ... از فارسی به عربی تدوین و گویا حساب سیاق را ایجاد کردند.» (ویرایش مجیدی، صـ٥۰). او این برداشت را در درس‌های ۱۳۲۲ـ۱۳۲٤ یادآوری نکرد و تنها از برگردان دیوان سخن گفت (ویرایش سجادی، صـ۱۱۰). محمدی ملایری نوشت: «نقل دیوان ... جز تغییر زبان تغییر مهم دیگری را در دیوان خراج باعث نگردید، یعنی این تغییر و تحول به اصول دفتری و نظام امور مالی ... سرایت ننموده.» (نقل دیوان، صـ٤؛ تاریخ و فرهنگ٦، صـ۱۱۰). قاسم تویسرکانی نیز در تاریخی از زبان تازی در میان ایرانیان (۱۳٥۰)، نوشته است، عرب‌ها از آغاز فرمان‌روایی بر ایران تا روزگار حجاج، نشان‌گان شمار را به فارسی می‌نوشتند و به عربی می‌خواندند و پس از آن، نشان‌گان را دیگر به فارسی نوشتند، یک‌راست به عربی نوشتند و خواندند (صـ٥۱). براون از پژوهش و گره‌گشایی واژگان فتوح (دهویه، ششویه، بوید/الوید، و، و أیضا) خودداری ورزید، زیرا آن را پیش‌تر السهاوزن و دخویه به انجام رسانده بودند. او برآیند پژوهش آنان را در زمینه‌ی تاریخی دید و بازگو کرد.

گزارش زرین کوب از واژگان فتوح

پیش از همه‌ی این پژوهش‌گران، عبدالحسین زرین‌کوب واژگان فتوح را در دو قرن سکوت (چ ۲، صـ۱۱۳ـ۱۱٤) گزارش کرد و آن را به هم‌آن روشی که اُلس‌هاوزن و دخویه بازخوانی کرده بودند، نوشت. بلاذری از زبان مدائنی (و او هم شاید از زبان دیگران، دو یا سه پشت پایین‌تر)، گفت‌وگوی مردانشاه و صالح را نوشته بود: «کیف تصنع بدهویه و ششویه. قال اکتب عُشر و نصف عُشر. قال فکیف تصنع بوید، قال اکتبه أیضا و الوید، النیف و الزیاده تزاد.» (فتوح، ویرایش دخویه، صـ۳۰۱).

زرین‌کوب در دو قرن سکوت نوشت: مردانشاه گفت: چون شمارها را به تازی نویسی دهویه و بیستویه را که در فارسی هست چه خواهی نوشت؟ گفت: عشر و نصف عشر نویسم پرسید: "وید" را چه نویسی؟ گفت: بجای آن "ایضاً» نویسم. مردانشاه به خشم درشد.» (چ۲، صـ۱۱٤).

چنان که می‌بینیم زرین‌کوب، واژه‌ی «ششویه» را به «بیستویه» برگردانده است. او درباره‌ی برتری این گزینه به جای گزینه‌ی بلاذری، همانا ششویه، چیزی ننوشت. هیچ نویسنده‌ی دیگری تا آن روزگار در زبان فارسی، واژگان کاربردی در گزارش بلاذری را بررسی نکرده و به‌ویژه ششویه را به بیستویه برنگردانده بود. زرین‌کوب چگونه به این آگاهی پی برد؟ آیا می‌توان گفت او از راه خیال‌پردازی به این آگاهی رسید؟ پیش از پاسخ به این پرسش‌ها گزارش محمدی ملایری بخوانیم.

گزارش محمدی ملایری

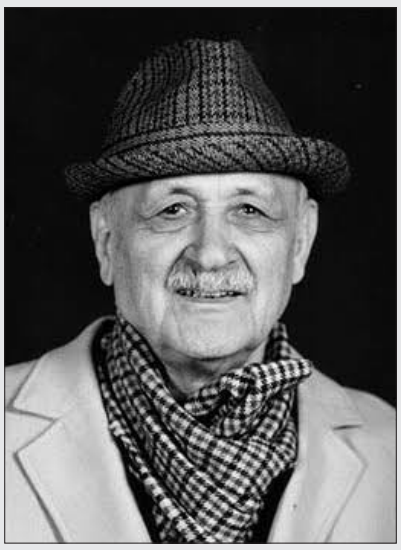
محمدی ملایری در المترجمون و النقله عن الفارسیه الی العربیه (الدراسات الادبیه، ۱۳٤٤، سال هفتم، ش۳و٤، صـ۲۲۸). گزارش بلاذری را از زبان ابن‌ندیم در کتاب الفهرست بازنویسی کرد، و سپس افزود: «هکذا فی الفهرست و فی العبارهٔ حذف و التباس، و مقتضی الکلام یوجب ان تکون العبارهٔ بعد کلمهٔ نصف عشر علی الشکل التالی ... و قد حصل الالتباس و الحذف لتشابه کلمتی الوید و الوند التین هما معربتان عن کلمتین فارسیتین هما أیدی (التی معناها ایضاً و قد تکون اصلها) و أند (بمعنی النیف).

آذرنوش سخنان محمدی را در برگردان فتوح، چنین یادآوری کرده است: «در این جملات حذف و تحریف شده است ... ممکن است وید اول "ایدا"ی فارسی باشد، به معنای ایضاً که خود معرب آن است. و وید دوم اند فارسی به معنی نیف.» (چ۱۳٤٦، صـ۱۱۰).

محمدی ملایری، بار دیگر به بازخوانی واژگان فتوح روی آورد (مقالات و بررسیها، دفتر ۳و٤، ۱۳٤۹)، او این‌بار با روشنی بیش‌تری از «تحریف» واژه‌ها سخن گفت؛ تکاپوی محمدرضا تجدد (گزارنده‌ی الفهرست به فارسی) را برای بازکردن گره از «ششویه» گونه‌ای «آشفتگی» خواند، و نوشته شدن «ششویه» را «نخستین تحریف» رخ داده در متن خواند. محمدی ملایری به روش اُلس‌هاوزن نوشت، دهویه برابر واژه‌ی عربی «عُشر» است، اما ششویه با «نصف عُشر» برابر نیست (شش‌یک است)؛ پس این واژه دگردیسی واژه‌ی دیگری است. آن‌گاه گزارش تجدد را از زبان آذرنوش کنار گذاشت. محمدی ملایری یادآوری کرد، «نیم عشر یا نصف عشر معادل است با بیست‌یک، که به اصطلاح دفاتر ساسانی بیستویه می‌شود. ... آنچه ما آن را در این روایت به صورت ششویه می‌خوانیم تحریفی است از کلمهٔ بیستویه ... کلمه بیستویه به دست ناسخی بی‌دقت و بی‌اطلاع به ششویه تبدیل شده» (صـ۱۱). سپس پرسید: «چرا مردانشاه معادل چنین رقم، یعنی بیستویه را از صالح پرسیده؟» سخنان محمدی ملایری همانند سخنان اُلس‌هاوزن و دخویه است. او حتیِ مانند اُلس‌هاوزن دچار لغزش شد و «وید» را به «أیضا» (چیزی افزون بر آن) برگرداند، ـ چیزی که دخویه آن را نپذیرفته بود. با آن که آگاهی از دست‌آوردهای پژوهشی پیشینیان و به کار انداختن آن در بافت تازه، برتری به شمار می‌رود؛ محمدی ملایری همانند زرین‌کوب، هرگز نگفت که از کارهای السهاوزن و دخویه آگاه بوده است.

روند بازخوانی واژگان بلاذری

دخویه در ویرایش فتوح‌البلدان از بخش نقل دیوان به تندی گذشت. او در بخش یادداشت‌ها هم درباره‌ی واژه‌های «دیوان»، «دهیک»، و «عشر و نصف عشر» آگاهی‌های ارزش‌مندی را به‌ویژه درباره‌ی «ارض عشر» یادآوری کرد، اما به واژگان فارسی نپرداخت. پس از دخویه، فلوگل در ویرایش الفهرست، بار دیگر با این واژه‌ها روبه‌رو شد و از دوستان پژوهش‌گرش راه‌نمایی خواست. دخویه هم در بررسی این واژه‌ها به جایی نرسید (الفهرست، صـ۱۰۷). سرانجام اُلس‌هاوزن به

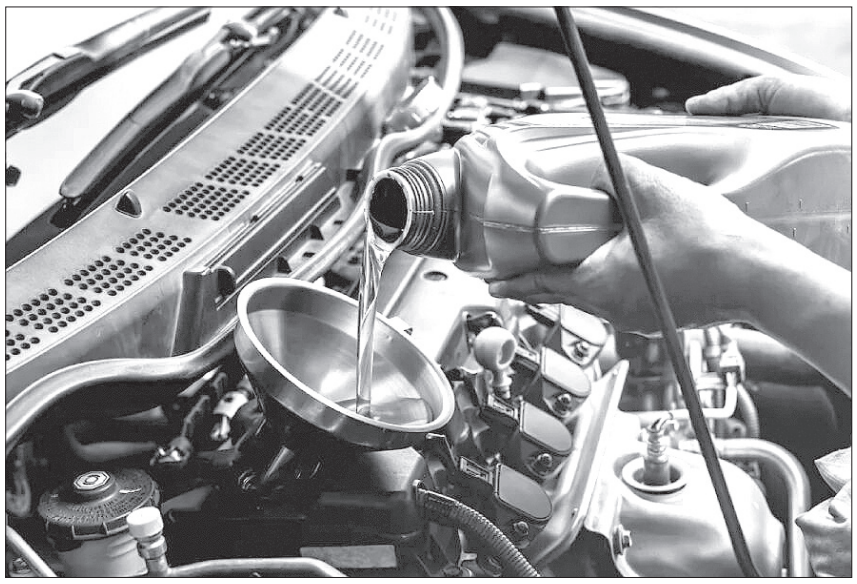


گره‌گشایی از این واژگان پرداخت. گزارش گسترده‌ی کار او از این گفتار بیرون است، به کوتاهی یادآوری می‌کنم که او، به بازشناسی ساخت شمارهای شکسته (کسری)، و پسوند «یک» در بخش پایانی آن روی آورد؛ دوگانگی کاربرد «ویه» را در نام‌ها و شمارها بررسی کرد؛ عشر و نصف عشر را با دهویه و ششویه سنجید؛ وید را در برابر نیف نهاد؛ در کاربرد الوید درنگ نمود، و «و أیضاً» را در برابر وید (نیف) «چیزی افزون بر آن» (und etwas darüber) خواند، اما دخویه بازخوانی او را از «و أیضاً» نپذیرفت. پژوهش اُلس‌هاوزن نمونه‌ی درخشان بررسی کاربرد واژگان فارسی در نوشتارهای عربی سده‌های کهن است. گزارش زرین‌کوب در دو قرن سکوت از سخن بلاذری نشان می‌دهد که او واژگان ششویه و وید و أیضا را از روی دست اُلس‌هاوزن نوشت، نه حتی دخویه. زیرا دخویه بازخوانی او را نپذیرفته بود: «نمی‌توانم درستی اکتب و أیضاً را ... که دکتر السهاوزن به "و اندکی بیش از آن" به دست داده، بپذیرم» (مدنی، صـ٥۸۳). محمدی ملایری هم به راه زرین‌کوب رفت. زرین‌کوب دریافتِ خود را از واژگان بلاذری به هیچ نوشتار پایه‌ی دیگری بازگشت نداد. آذرنوش نیز در برگردان فارسی گزارش بلاذری، دریافت زرین‌کوب را از این واژه‌ها یادآوری نکرد. پس از او، محمدی ملایری هم بی هر اشاره‌ای به ویرایش زرین‌کوب از ششویه و معناگذاری برای واژه‌های دیگر، هم‌آن آگاهی‌ها را بی‌کم و کاست در یادداشت خود آورد. استادان محمدی ملایری و آذرنوش، هر دو، روزگاری هم‌کار زرین‌کوب در دانش‌کده‌ی الهیات بودند. گویی آنان دو قرن سکوت را در آن سال‌ها هرگز در دست نگرفته و سیاهه‌ی گفتارهای آن را ندیده بودند. از سوی دیگر، زرین‌کوب و محمدی ملایری، هر دو با نامه‌ی ZDMG، که نوشتارهای اُلس‌هاوزن و دخویه درباره‌ی واژه‌های فتوح در آن به چاپ رسیده بود، آشنایی داشتند. زرین‌کوب در دو قرن سکوت، ص ۲۳۰، هنگام یادآوری نام «مرداس» به یکی از شماره‌های آن نامه اشاره کرده است. نام این نامه در کتاب‌نامه، بخش «ج. مجله‌ها ...» آمده است. محمدی ملایری نیز در المترجمون، هنگام بازخوانی آگاهی‌ها درباره‌ی کتاب السکیسران، از زبان بروکلمن به یادداشت مارکوارت در آن نامه یاد می‌کند (صـ۲۰۰). هر خواننده‌ای می‌تواند درباره‌ی چرایی پنهان ماندن نوشتار پایه در پژوهش زرین‌کوب و محمدی ملایری، آزادانه داوری کند. بررسی کنونی نشان می‌دهد، زرین‌کوب هسته‌ی گسترش‌یابنده‌ی دو قرن سکوت را از جایی دور از دست‌رسی دیگران بازیافت؛ و مایه‌های درونی آن را بیرون کشید. سرچشمه‌ی این آگاهی از سال ۱۳۳٦ تا سال ۱۳٦٥ دور از آگاهی بیش‌ترِ پژوهش‌گران ایرانی بود. رسیدن زرین‌کوب به چنین داده‌هایی، نشانه‌ی ژرف‌پویی کار پژوهشی او در روند نگارش دو قرن سکوت است. به آسانی نمی‌توان این کتاب را نه «چندان تحقیقی» خواند، و ارزش‌های برگزیده‌ی پژوهشی و روش‌شناسانه‌ی آن را نادیده گذاشت یا به فراموشی سپرد.

پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی

۶ مایع خودرو که بی‌توجهی به آنها دردسرساز می‌شود

نگهداری درست از خودرو فقط به تعویض روغن موتور یا مراجعه به تعمیرگاه هنگام خرابی محدود نمی‌شود. مایعات مختلف در بخش‌های مهم خودرو وظایف متفاوتی دارند و توجه به سطح، زمان تعویض و نشانه‌های غیرعادی آنها می‌تواند از بسیاری از مشکلات قابل پیشگیری جلوگیری کند. به گزارش ایرنا زندگی، نگهداری خودرو فقط به بنزین زدن، شستن بدنه و تعویض لاستیک‌ها محدود نمی‌شود. بخش مهمی از سلامت خودرو به مایعاتی وابسته است که هرکدام وظیفه مشخصی دارند. از روغن موتور که برای روان‌کاری قطعات موتور استفاده می‌شود تا مایع خنک‌کننده که به کنترل دمای موتور کمک می‌کند. بعضی از این مایعات باید در دوره‌های مشخص تعویض شوند و بعضی دیگر بیشتر نیاز به بررسی سطح و نشتی دارند. راهنمای اصلی برای نوع مایع و زمان سرویس نیز دفترچه خودرو است.



روغن موتور

اگر بخواهیم یکی از مهمترین مایعات خودرو را نام ببریم، روغن موتور در ابتدای فهرست قرار می‌گیرد. موتور از تعداد زیادی قطعه متحرک تشکیل شده است که هنگام روشن بودن خودرو با سرعت بالا حرکت می‌کنند. روغن موتور به روان‌کاری این قطعات کمک می‌کند تا اصطکاک و فرسایش آنها کاهش پیدا کند. به همین دلیل کمبود روغن یا استفاده از روغن نامناسب می‌تواند به موتور آسیب بزند. کارشناسان خودرو نیز تاکید می‌کنند که روغن باید مطابق توصیه سازنده و در زمان تعیین‌شده در دفترچه خودرو تعویض شود. برای یک مثال ساده، موتور را می‌توان مانند مجموعه‌ای از قطعات فلزی متحرک در نظر گرفت که بدون روان‌کاری مناسب، تماس و اصطکاک بیشتری با یکدیگر خواهند داشت. روغن مناسب علاوه بر روان‌کاری، به جابه‌جایی بخشی از گرمای ایجادشده در موتور نیز کمک می‌کند. راننده لازم نیست برای بررسی روغن موتور مکانیک باشد. در خودروهایی که میله اندازه‌گیری روغن دارند، می‌توان طبق دستورالعمل دفترچه خودرو سطح روغن را بررسی کرد. اگر سطح روغن مرتبا پایین می‌آید، فقط اضافه کردن روغن کافی نیست و بهتر است علت کم شدن آن، مانند نشتی یا مصرف غیرعادی، بررسی شود. نکته مهم اینکه اگر اعضای خانواده از یک خودرو استفاده می‌کنند، بهتر است زمان آخرین تعویض روغن روی یک برگه یا در تلفن همراه ثبت شود. این کار ساده از فراموش کردن سرویس‌های دوره‌ای جلوگیری می‌کند.

مایع خنک کننده

دومین مورد مهم مایع خنک کننده است. موتور هنگام کار گرمای زیادی تولید می‌کند و سیستم خنک کننده وظیفه دارد دمای آن را در محدوده مناسب نگه دارد. کمبود مایع، نشتی یا مشکل در سیستم خنک کننده می‌تواند زمینه‌ساز افزایش بیش از حد دمای موتور شود. توصیه می‌شود سطح مایع خنک‌کننده و وضعیت سیستم خنک‌کننده به‌طور دوره‌ای بررسی شود و نوع مایع مطابق مشخصات سازنده خودرو باشد.یکی از اشتباهات رایج این است که راننده برای بررسی یا اضافه کردن مایع خنک‌کننده، زمانی سراغ مخزن می‌رود که موتور داغ است. سیستم خنک‌کننده خودرو ممکن است تحت فشار باشد و باز کردن درپوش آن در حالت داغ خطرناک است. بنابراین بررسی سطح این مایع باید زمانی انجام شود که موتور کاملا خنک شده باشد. اگر زیر خودرو لکه‌ای مشاهده می‌کنید یا سطح مایع خنک‌کننده مرتب پایین می‌آید، بهتر است موضوع را جدی بگیرید. کم کردن مایع به‌صورت مداوم می‌تواند نشانه وجود نشتی یا مشکل دیگری در سیستم باشد.

روغن ترمز

ترمز از مهمترین تجهیزات ایمنی خودرو است و روغن یا مایع ترمز نقش مهمی در انتقال نیروی ترمز در سیستم‌های هیدرولیکی دارد. به همین دلیل پایین بودن سطح مایع ترمز نباید مانند کم شدن مایع شیشه‌شور تلقی شود.کارشناسان توصیه می‌کنند سطح مایع ترمز بررسی شود و در صورت پایین بودن آن، سیستم از نظر نشتی یا فرسودگی قطعات بررسی شود. همچنین تاکید می‌شود که اگر سطح مایع ترمز نزدیک علامت حداقل یا پایین‌تر از آن باشد، سیستم ترمز باید در اولین فرصت بررسی شود.از طرف دیگر اضافه کردن خودسرانه هر نوع مایع ترمز نیز کار درستی نیست. خودروها ممکن است به مشخصات متفاوتی نیاز داشته باشند و نوع مناسب باید از دفترچه خودرو یا اطلاعات درج‌شده روی مخزن مشخص شود.اگر هنگام ترمز گرفتن، خودرو رفتار غیرعادی دارد، پدال ترمز بیش از حد پایین می‌رود، صدای غیرمعمول شنیده می‌شود یا چراغ هشدار مربوط به ترمز روشن می‌شود، بهتر است موضوع را به تعویق نیندازید.

اگر هنگام ترمز گرفتن، خودرو رفتار غیرعادی دارد، پدال ترمز بیش از حد پایین می‌رود، صدای غیرمعمول شنیده می‌شود یا چراغ هشدار مربوط به ترمز روشن می‌شود، بهتر است موضوع را به تعویق نیندازید

مایع شیشه‌شور

مایع شیشه‌شور شاید در مقایسه با روغن موتور و مایع ترمز کم‌اهمیت به نظر برسد اما تمیز بودن شیشه جلو مستقیما با دید راننده ارتباط دارد. گردوغبار، گل، حشرات و آلودگی‌های جاده می‌توانند دید راننده را کاهش دهند و شیشه‌شور و برف‌پاک‌کن برای پاک کردن این آلودگی‌ها به کار می‌روند.پر کردن مخزن شیشه‌شور معمولا کار پیچیده‌ای نیست اما بهتر است از مایع مخصوص شیشه‌شور استفاده شود. توصیه می‌شود استفاده از مایع متناسب با شرایط آب‌وهوایی باشد. برای مناطق سردسیر، نوعی که در برابر یخ‌زدگی مقاوم باشد اهمیت بیشتری دارد.در ایران نیز این موضوع را می‌توان در سفرهای جاده‌ای به‌خوبی دید. راننده‌ای که در جاده‌ای خاکی یا در هوای بارانی با شیشه کثیف روبه‌رو می‌شود، اگر مخزن شیشه‌شور خالی باشد، ممکن است برای تمیز کردن شیشه با مشکل مواجه شود.

روغن گیربکس

گیربکس برای انتقال نیروی موتور به چرخ‌ها به روان‌کاری مناسب نیاز دارد. نوع مایع مورد استفاده و زمان بررسی یا تعویض آن به نوع گیربکس و توصیه سازنده بستگی دارد. به همین دلیل نمی‌توان یک فاصله زمانی یا یک نوع روغن را برای همه خودروها تجویز کرد. در برخی خودروهای جدید، گیربکس‌ها ساختار متفاوتی دارند و حتی ممکن است دسترسی راننده به محل بررسی مایع مانند خودروهای قدیمی نباشد. بنابراین اضافه کردن روغن گیربکس بدون اطلاع از نوع دقیق آن می‌تواند اشتباه باشد.تاکید می‌شود که مشخصات و برنامه سرویس باید با دفترچه خودرو هماهنگ باشد. همچنین توصیه می‌شود رانندگان به جای پذیرش خودکار سرویس‌های اضافه، ابتدا برنامه تعمیر و نگهداری اعلام‌شده از سوی سازنده را بررسی کنند.اگر تعویض دنده سخت شده، دنده‌ها با ضربه جا می‌روند، خودرو در هنگام حرکت رفتار غیرعادی دارد یا نشتی مشاهده می‌شود، بهتر است خودرو توسط تعمیرکار بررسی شود.

مایع هیدرولیک فرمان

آخرین مورد مایع هیدرولیک فرمان است. این مایع در خودروهایی که سیستم فرمان هیدرولیکی دارند، به انتقال فشار و عملکرد نرم‌تر فرمان کمک می‌کند. اما نکته مهم این است که همه خودروها چنین مایعی ندارند. برخی خودروهای جدید از فرمان برقی استفاده می‌کنند و در آنها مخزن مایع هیدرولیک فرمان وجود ندارد.اگر خودرو دارای فرمان هیدرولیک باشد، پایین آمدن سطح مایع یا وجود نشتی می‌تواند عملکرد فرمان را تحت تاثیر قرار دهد. در چنین شرایطی بهتر است به جای پر کردن مکرر مخزن، علت کم شدن مایع مشخص شود.بنابراین اگر راننده نمی‌داند خودرویش فرمان هیدرولیک دارد یا برقی، لازم نیست حدس بزند. یک نگاه به دفترچه خودرو یا مراجعه به تعمیرکار می‌تواند تکلیف را مشخص کند.

همه مایعات را با یک نسخه نمی‌توان نگهداری کرد

یکی از مهمترین نکات برای خانواده‌ها این است که مایعات خودرو شبیه یکدیگر نیستند و نباید آنها را با هم اشتباه گرفت. رنگ مایع نیز به‌تنهایی معیار مناسبی برای تشخیص نوع آن نیست. ممکن است دو مایع با ظاهر مشابه، برای دو کاربرد کاملا متفاوت تولید شده باشند.همچنین هر کاهش سطحی به معنای نیاز فوری به اضافه کردن مایع نیست. گاهی پایین آمدن سطح می‌تواند نشانه نشتی یا فرسودگی یک قطعه باشد. در مورد مایع ترمز، برای نمونه، پایین آمدن سطح می‌تواند نیازمند بررسی سیستم ترمز باشد. منابع ایمنی خودرو نیز توصیه می‌کنند در صورت مشاهده نشتی، خودرو برای بررسی تخصصی مراجعه شود.از سوی دیگر تعویض زودهنگام یا انجام سرویس‌هایی که سازنده خودرو توصیه نکرده است نیز الزاما به معنای نگهداری بهتر نیست. برنامه سرویس خودرو، نوع مایع و فاصله تعویض باید بر اساس دفترچه همان خودرو تعیین شود.

یک برنامه ساده برای خانواده

لازم نیست صاحب خودرو هر روز کاپوت را بالا بزند و همه چیز را بررسی کند. یک برنامه ساده می‌تواند کافی باشد. مثلا یکی از اعضای خانواده می‌تواند زمان تعویض روغن، سرویس بعدی و بررسی مایعات را در تقویم تلفن همراه ثبت کند. پیش از سفرهای طولانی نیز بهتر است سطح روغن، مایع خنک‌کننده، مایع ترمز، شیشه‌شور و سایر موارد قابل بررسی کنترل شوند.در کنار این موارد، نباید نشتی‌های زیر خودرو، بوی غیرعادی، بالا رفتن دمای موتور، تغییر رفتار ترمز یا فرمان و تغییرات غیرمعمول در تعویض دنده را نادیده گرفت.در نهایت مراقبت از خودرو بیشتر از آنکه به تعمیرات پیچیده وابسته باشد، به نظم و توجه به نشانه‌های ساده نیاز دارد. روغن موتور، مایع خنک‌کننده، روغن ترمز، شیشه‌شور، مایع گیربکس و در خودروهای مجهز، مایع هیدرولیک فرمان هرکدام وظیفه‌ای متفاوت دارند. شناخت همین موارد ساده می‌تواند به خانواده کمک کند مشکلات خودرو را زودتر متوجه شود، از هزینه‌های قابل پیشگیری بکاهد و مهمتر از همه، با اطمینان بیشتری راهی جاده شود.

» آگهی ثبتی

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۵

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ – آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:
۱–رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۶۵ در پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۶۵۶
تصرفات مفروزی و مالکانه خانم فاطمه پنجه کراول فرزند محمد مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۷۷/۰۹ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۷۵ فرعی از ۱–اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (خانم بدر منصوری) . در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت ، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۲۹/ ۰۷/ ۱۴۰۵ (چهارشنبه)
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۶/ ۰۸/ ۱۴۰۵ (شنبه)
لیلا کاغذلو – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان. م الف ۱۱۵۲۶

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۳۸۲۵ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم پرویز سنجری فرزند یحی به شماره شناسنامه ۳۳۴ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی مسکونی به مساحت ۲۶۹.۸۵ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۱۹۹– اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (عطاخان عطایی) محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبـه ۲۹/ ۰۷/ ۱۴۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۶/ ۰۸/ ۱۴۰۵
بهمن سارلی– رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله م الف ۱۱۵۳۲

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۵

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ – آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:
۱–رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۳۵ در پرونده کلاسه ۳۲۵۹۲۲۴۱۰۹۳۴۹۴۰۴۸۷۹۷۳۷۳۳۱
تصرفات مفروزی و مالکانه آقای ارازقلی جرجانی فرزند قوی محمد مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۱۰/۱۶ مترمربع در قسمتی از پلاک ۷–اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۱۱ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک بلاواسطه از مالک رسمی (آقای قول محمد جرجانی دارنده سند کشت موقت به شماره ۱۳۴۵۴۱ مورخ ۲۳/ ۰۷/ ۱۳۸۲). در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت ، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۲۹/ ۰۷/ ۱۴۰۵ (چهارشنبه)
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۶/ ۰۸/ ۱۴۰۵ (شنبه)
لیلا کاغذلو – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان– م الف ۱۱۵۶۳

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۴۸۰۵ مورخ ۱۴۰۵.۰۷.۲۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۳۵۴ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آیدین آل جلیل فرزند احمد شماره شناسنامه ۴۸ کدملی ۴۹۷۹۷۰۳۰۶۲ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۴۳۶ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۵۰۵ فرعی از یک اصلی واقع در آق قلا، خیابان بیت المقدس، قدس یکم، مینو۲، بخش ۷ حوزه ثبت ملک شهرستان آق قلا سهمی از مالک رسمی احمد آل جلیل تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات صادر خواهد شد.
تاریخ انتشارنوبت اول: شنبه: ۱۴۰۵.۰۸.۱۶
تاریخ انتشارنوبت دوم: یکشنبه: ۱۴۰۵.۰۹.۰۱
احمد نبویان سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا از طرف علی برقی م الف:۸۲۳

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۵

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳– آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:
۱–رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۵۱۸۹ در پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۵۷۲
تصرفات مفروزی و مالکانه خانم کبری طلعت قلعه جوقی فرزند محمد مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۸۹/۶۷ مترمربع در قسمتی از پلاک ۳۴ –اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (آقای حسین سمیعی پاقلعه دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۱۶۷۸۶ مورخ ۰۵/ ۰۹/ ۱۳۴۹). در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۶/ ۰۸/ ۱۴۰۵ (شنبه)
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۰۲/ ۰۹/ ۱۴۰۵ (دوشنبه)
لیلا کاغذلو – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان– م الف ۱۱۸۱۱

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۵

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳– آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:
۱–رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۵۱۸۸ در پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۲۴۲
تصرفات مفروزی و مالکانه آقای شمساله گنجی جامه شورانی فرزند رضا مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۷۸۲ مترمربع در قسمتی از پلاک ۳ و ٤ هر دو فرعی از ۳–اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک بلاواسطه از مالک رسمی (آقای رضا گنجی جامه شورانی). در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت ، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۶/ ۰۸/ ۱۴۰۵ (شنبه)
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۰۲/ ۰۹/ ۱۴۰۵ (دوشنبه)
لیلا کاغذلو – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان– م الف ۱۱۸۱۷

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۵

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳– آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:
۱–رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۵۱۴۸ در پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۲۹۲
تصرفات مفروزی و مالکانه خانم شهربانو غفاری توران فرزند رسول مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۱۸۷/۴۵ مترمربع در قسمتی از پلاک ۲– اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (آقای رسول غفاری دارنـــــده سند اصلاحات ارضی به شماره ۳۲۷۷۵ مورخ ۱۳۴۵/۱۲/۱۴). در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۶/ ۰۸/ ۱۴۰۵ (شنبه)
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۰۲/ ۰۹/ ۱۴۰۵ (دوشنبه)
لیلا کاغذلو – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان– م الف ۱۱۸۱۹

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر باینکه خانم زهرا کتولی نژاد فرزند علی اصغر به شماره ملی ۲۱۱۰۵۶۹۷۳۵ با ارائه ۲ برگ استشهادیه گواهی شده مصدق شده توسط دفترخانه ۵۵ گرگان به این اداره مراجعه و مدعی میباشند ششدانگ عرصه و اعیان یک دستگاه آپارتمان بمساحت ٦٨.٤ مترمربع پلاک ٦٥٩٣ فرعی از ۳– اصلی بخش ۳ که بنام زهرا کتولی نژاد فرزند علی اصغر سند مالکیت تک برگی بشماره سریال ۲٤۸۷٦۲ ه ۱۴۰۰ صادر شده در رهن و بازداشت نمی باشد، به علت جابجایی مفقود و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا باستناد ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی میگردد تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد ظرف مدت ده روز از تاریخ آگهی اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نماید. در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.
مهناز جهانفر– کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان– شناسه آگهی ۲۳۱۹٦۸۹

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر باینکه خانم زهرا شیخ فرزند غلام علی به شماره ملی ۳٦۷۳۹۹۳٦۱۵ با ارائه ۲ برگ استشهادیه گواهی شده مصدق شده توسط دفترخانه ۹٦ گرگان به این اداره مراجعه و مدعی میباشند ششدانگ عرصه و اعیان یک دستگاه آپارتمان بمساحت ۱۱٦.٦ مترمربع پلاک ۲۲۰۹۳ فرعی از ۲– اصلی بخش ۳ که بنام زهرا شیخ فرزند غلام علی سند مالکیت تک برگی بشماره سریال ۸۹۲٤۹۲ ج ۱۴۰۱ صادر شده و برابر سند رهنی شماره ۳۲۷٦۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۰ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۹٦ گرگان استان گلستان بنفع بانک مسکن در رهن قرار گرفته به علت جابجایی مفقود و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا باستناد ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی میگردد تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد ظرف مدت ده روز از تاریخ آگهی اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نماید. در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.
سیدعیسی میرکاظمی– رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر– شناسه آگهی ۲۳۱۹۷٦۰

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض دولت جمهوری اسلامی ایران با نمایندگی اداره کل ورزش و جوانان استان گلستان متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۶۹۷ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی به انضمام پنج دانگ مشاع از ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که مابقی آن وقف است به مساحت ۲۲۹۱ مترمربع از پلاک شماره ۱۵٦– اصلی واقع در اراضی معصوم آباد بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۶/ ۰۸/ ۱۴۰۵ (شنبه)
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۰۲/ ۰۹/ ۱۴۰۵ (دوشنبه)
لیلا کاغذلو – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان– م الف ۱۱۸۱۹

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض دولت جمهوری اسلامی ایران با نمایندگی اداره کل ورزش و جوانان استان گلستان متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۲۴۴۵ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۴۰ مترمربع از پلاک ۱۷– اصلی واقع در اراضی جلین علیا بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۶/ ۰۸/ ۱۴۰۵.۰۸.۱۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۰۲/ ۰۹/ ۱۴۰۵.۰۹.۰۲
مهناز جهانفر– کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان– شناسه آگهی ۲۳۱۹۸۰۲



قولنامه‌های قدیمی در برابر قانون جدید

قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول؛ فرصتی برای ساماندهی مالکیت یا آزمونی برای صیانت از حقوق صاحبان اسناد عادی؟



بهرام جرجانی

یک قطعه زمین در حاشیه یک روستا، خانه‌ای که چند نسل در آن زندگی کرده‌اند یا زمینی کشاورزی که سال‌ها میان اعضای یک خانواده دست‌به‌دست شده است؛ در بسیاری از این موارد، مهم‌ترین مدرک مالکیت اشخاص نه یک سند رسمی، بلکه قولنامه‌ای قدیمی، مبایعه‌نامه‌ای عادی یا مجموعه‌ای از نوشته‌ها و مدارک به‌جامانده از معاملات گذشته است. این وضعیت در بخش‌هایی از استان گلستان، به‌ویژه در مناطق روستایی و کشاورزی و در املاک دارای سابقه نقل‌وانتقال غیررسمی، مسئله‌ای قابل توجه است. اکنون قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول، نظام حقوقی معاملات ملکی را وارد مرحله‌ای تازه کرده است؛ مرحله‌ای که در آن، بی‌توجهی به تشریفات ثبت رسمی می‌تواند پیامدهایی فراتر از یک اختلاف قراردادی ساده داشته باشد. پرسش اساسی این است: در مسیر حرکت به سوی ثبت رسمی مالکیت، چگونه می‌توان هم امنیت معاملات را افزایش داد و هم از حقوق اشخاصی که سال‌ها بر پایه اسناد عادی برای خود حق مالکیت قائل بوده‌اند، صیانت کرد؟

تغییری فراتر از تشریفات اداری

قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول که در سال ۱۴۰۳ ابلاغ و لازم‌الاجرا شد، صرفاً شیوه تنظیم قراردادها را تغییر نمی‌دهد؛ بلکه ضمانت اجراهای مهمی برای ثبت‌نشدن برخی اعمال حقوقی در نظر گرفته است. مطابق ماده یک این قانون، پس از تحقق شرایط و مواعد مقرر، اعمال حقوقی مشخصی از جمله انتقال مالکیت اموال غیرمنقول، انتقال برخی حقوق مربوط به ملک، معاملات رهنی، پیش‌فروش ساختمان و تعهد به انجام این معاملات باید در سامانه ثبت الکترونیک اسناد ثبت شوند. اهمیت این حکم در ضمانت اجرای آن آشکار می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در موارد مشمول ماده، دعاوی مربوط به معاملات ثبت‌نشده و ادله مرتبط با آن‌ها، با محدودیت جدی در قابلیت استماع روبه‌رو خواهند شد و قانون، جز دعوای استرداد عوضین، بسیاری از دعاوی و درخواست‌های مرتبط را قابل استماع نمی‌داند. به بیان روشن‌تر، در نظام حقوقی جدید، صرف تنظیم یک قرارداد عادی برای انجام معاملات مشمول قانون، دیگر تضمین‌کننده برخورداری از حمایت قضایی سابق نخواهد بود. البته این حکم دارای زمان‌بندی و استثنائات قانونی است و نمی‌توان آن را بدون تفکیک نوع سند، تاریخ صدور آن و زمان تحقق معامله، به تمام املاک و قراردادها تعمیم داد.

همه قولنامه‌ها وضعیت حقوقی یکسانی ندارند

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در اطلاع‌رسانی عمومی درباره این قانون باید مورد توجه قرار گیرد، تفاوت میان اسناد مالکیت حذنگار صادرشده پیش و پس از لازم‌الاجرا شدن قانون است. بر اساس تبصره ٤ ماده یک، املاکی که پس از لازم‌الاجرا شدن قانون، یعنی سوم تیرماه ۱۴۰۳، برای آن‌ها سند مالکیت حذنگار صادر شده است، از تاریخ صدور همان سند مشمول الزامات ماده یک خواهند بود؛ حتی اگر سامانه موضوع ماده ۱۰ هنوز راه‌اندازی نشده باشد. در مقابل، درباره اسناد قدیمی‌تر، اجرای ضمانت اجراهای ماده یک تابع سازوکار و مواعد مقرر در قانون و زمان‌بندی راه‌اندازی سامانه ساماندهی اسناد غیررسمی است. بنابراین، این تصور که تمام معاملات عادی و قولنامه‌های قدیمی از یک تاریخ مشخص اعتبار خود را از دست داده‌اند، برداشت دقیقی از قانون نیست.

ماده ۱۰؛ فرصتی برای تعیین تکلیف حقوق مالکانه

یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های قانون جدید، ماده ۱۰ آن است که با هدف ساماندهی ادعاهای مربوط به املاک فاقد سند رسمی پیش‌بینی شده است. بر اساس اعلان رسمی منتشرشده در روزنامه رسمی، سامانه ساماندهی اسناد غیررسمی از اول خرداد ۱۴۰۵ برای املاکی که در فاصله اول فروردین ۱۳۹۶ تا پایان اردیبهشت ۱۴۰۵ سند رسمی حذنگار برای آن‌ها صادر شده است، رسماً راه‌اندازی شده است. همچنین برای املاکی که از اول خرداد ۱۴۰۵ به بعد سند حذنگار دریافت می‌کنند، تاریخ راه‌اندازی رسمی سامانه از روز صدور سند تعیین شده و تاریخ شمول سایر املاک باید مطابق اعلان رسمی بعدی اعلام شود. مطابق ماده ۱۰، مدعیان حقوق مشمول این ماده اصولاً دو سال از تاریخ راه‌اندازی سامانه برای ثبت ادعا و مستندات خود فرصت دارند. پس از ثبت ادعا نیز باید در مهلت قانونی بعدی، حسب مورد نسبت به تنظیم سند رسمی، طرح دعوای لازم یا انجام سایر اقدامات قانونی برای اخذ سند مالکیت اقدام کنند. نکته مهم آن است که ثبت ادعا در سامانه به‌معنای صدور سند مالکیت یا اثبات قطعی مالکیت نیست؛ بلکه اقدامی قانونی برای اعلام و مستندسازی ادعا و ورود به فرایند تعیین تکلیف آن محسوب می‌شود.

چالش ویژه گلستان؛ از املاک موروثی تا اراضی کشاورزی

اهمیت اجرای صحیح این قانون در استان گلستان را نمی‌توان نادیده گرفت. در برخی مناطق استان، املاک دارای سابقه نقل‌وانتقال خانوادگی، اراضی کشاورزی با مدارک عادی، املاک موروثی و مستنداتی که طی سالیان مختلف تنظیم شده‌اند، ممکن است با ابهاماتی در زمینه حدود ملک، زنجیره انتقال، مالکیت مشاعی و انطباق با سوابق ثبتی مواجه باشند. در چنین شرایطی، یک قولنامه قدیمی ممکن است برای دارنده آن ارزش حقوقی و اثباتی داشته باشد، اما به‌تنهایی پاسخ‌گوی تمام الزامات قانونی برای اخذ سند رسمی نباشد. از سوی دیگر، نباید اجرای قانون به ابزاری برای نادیده گرفتن حقوق اشخاصی تبدیل شود که ادعاهای مستند و قابل بررسی دارند. به‌ویژه در مواردی که پای اراضی ملی، منابع طبیعی، اراضی موات، املاک وقفی یا اراضی دارای محدودیت‌های قانونی در میان است، بررسی دقیق سوابق و صلاحیت مراجع قانونی ضروری است. تصرف طولانی‌مدت یا در اختیار داشتن قولنامه، به‌خودی‌خود موجب ایجاد مالکیت نسبت به اراضی عمومی و ملی نمی‌شود.

مسئولیت دستگاه‌های اجرایی؛ قانون بدون اطلاع‌رسانی کامل اجرا نمی‌شود

اجرای مؤثر این قانون صرفاً به آگاهی مالکان و مراجعه آنان به سامانه محدود نیست. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و سایر دستگاه‌های مرتبط باید در حدود وظایف قانونی خود، زمینه دسترسی آسان به اطلاعات، شفاف‌سازی وضعیت ثبتی املاک، پاسخ‌گویی به درخواست‌های قانونی و تسهیل فرایند صدور اسناد مالکیت را فراهم کنند. در استانی مانند گلستان، اطلاع‌رسانی هدفمند درباره تفاوت وضعیت اسناد قدیمی و جدید، نحوه ثبت ادعا، مدارک مورد نیاز و مهلت‌های قانونی می‌تواند از بروز اختلافات تازه و تضییع حقوق اشخاص جلوگیری کند. همچنین ضروری است برای مناطق روستایی و اشخاصی که دسترسی کافی به خدمات الکترونیکی یا آگاهی تخصصی حقوقی ندارند، برنامه‌های آموزشی و راهنمایی عمومی پیش‌بینی شود. در این میان، ماده ۹ قانون نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا برای قضات و مأموران دولتی یا عمومی که به مفاد اسناد رسمی ترتیب اثر ندهند، ضمانت اجرای کیفری و در صورت ورود خسارت، مسئولیت جبران آن را پیش‌بینی کرده است. این حکم نشان می‌دهد که اجرای قانون تنها تکلیف شهروندان نیست و دستگاه‌های عمومی نیز در برابر حقوق قانونی مردم مسئولیت دارند.

امنیت مالکیت؛ نقطه تلاقی قانون، عدالت و اعتماد عمومی

تحول در نظام ثبت معاملات ملکی، زمانی می‌تواند به هدف اصلی خود یعنی کاهش اختلافات و افزایش امنیت حقوقی دست یابد که در کنار الزام به ثبت رسمی، وضعیت حقوقی املاک و حقوق اشخاص نیز با دقت و عدالت تعیین تکلیف شود. برای استان گلستان، این موضوع تنها یک بحث ثبتی یا اداری نیست؛ بلکه با امنیت سرمایه‌گذاری، آرامش خانوارها، استمرار فعالیت‌های کشاورزی و اعتماد عمومی به نظام حقوقی ارتباط مستقیم دارد. ضروری است دستگاه‌های مسئول با همکاری نهادهای ثبتی، قضایی، دهیاری‌ها و مدیریت‌های محلی، اطلاع‌رسانی درباره این قانون را به یک برنامه جدی و مستمر تبدیل کنند. در نهایت، هدف از ثبت رسمی نباید صرفاً افزایش تعداد اسناد صادرشده باشد؛ بلکه باید به ایجاد نظامی منجر شود که در آن مالکیت اشخاص شفاف، معاملات قابل اعتماد، اختلافات قابل پیشگیری و حقوق قانونی مردم قابل دفاع باشد. سند رسمی باید پشتوانه امنیت مالکیت باشد، نه آغاز سردرگمی حقوقی مردم.

کارشناس حقوق



اجتماعی. فرهنگی. سیاسی. اقتصادی. ورزشی
Email:golshanemehr۱@yahoo.com

» صاحب امتیاز: احسان مکتبی
maktabi.ehsan۴۸@gmail.com

» مدیرمسوول: مریم قرآنی
» سردبیر: محمد جواد مکتبی
» نشانی: گرگان ـ خیابان امام خمینی ـ پاساژ قدس ـ طبقه سوم
تلفکس: ۳۲۲۴۱۱۹۵ تلفن: ۳۲۲۴۴۳۰۲ ـ ۳۲۲۵۱۳۱۶ـ۰۱۷
» چاپ: افست گلشن مهر

گلشن مهر

شنبه ۱۶ آبان ماه ۱۴۰۵/ سال بیست و هشتم /شماره ۳۲۸۷

جادوی نور در خانه‌های کوچک؛

چطور فضا را دلباز و روشن کنیم؟

بسیاری از ما تصور می‌کنیم برای بزرگتر نشان دادن خانه، حتماً باید دیواری را خراب کنیم یا وسایل را به حداقل برسانیم. اما یک ترفند ارزان‌تر و مؤثرتر هم وجود دارد: «نورپردازی اصولی».به گزارش ایرنازندگی، در دنیای امروزی که بخش قابل‌توجهی از خانه‌های شهری را آپارتمان‌های کوچک و جمع‌وجور تشکیل می‌دهند، «نور» فراتر از یک ابزار ساده روشنایی، به عنصری کلیدی برای مدیریت ادراک بصری و حس فضا تبدیل شده است. بسیاری از ما تصور می‌کنیم برای رهایی از محدودیت‌های فضایی، ناگزیر به تغییرات ساختاری پرهزینه یا حذف وسایل ضروری هستیم؛ در حالی که کلید اصلی دلباز کردن محیط، در مدیریت هوشمندانه و اصولی نور نهفته است که می‌تواند مرزهای بصری خانه را جابه‌جا و احساسی از وسعت و آرامش را القا کند.

تأثیر روانی و زیبایی‌شناختی نور در فضاهای کوچک

تأثیر روانی نور در محیط‌های کوچک، به همان اندازه که بر زیبایی‌شناسی دکوراسیون اثرگذار است، بر کیفیت زندگی روزمره نیز تأثیر عمیقی دارد. یک نورپردازی اصولی و خلاقانه نه تنها خستگی بصری را کاهش می‌دهد و حس محبوس بودن در فضاهای کوچک را از بین می‌برد، بلکه با ایجاد لایه‌های نوری متنوع و دلنشین، خانه را به محیطی دنج، پویا و دعوت‌کننده تبدیل می‌کند. ما می توانیم با اجرای چند تکنیک حرفه‌ای، خانه‌های کوچک را وسیع‌تر، درخشان‌تر و دلپذیرتر جلوه دهیم.

۱. آینه‌ها؛ منعکس کننده نور

اگر به دنبال راهی سریع و مؤثر برای تکثیر نور در فضای کوچک خود هستید، آینه‌ها بهترین و ارزان‌ترین ابزار هستند. نصب یک آینه بزرگ و خوش‌تراش، به‌ویژه در مقابل پنجره یا پشت چراغ‌های دیواری، می‌تواند معجزه کند. آینه نور را جذب و سپس منعکس می‌کند و باعث می‌شود چشم، فضا را بسیار بزرگ‌تر و عمیق‌تر از آنچه هست ببیند. این ترفند نه‌تنها روشنایی خانه را افزایش می‌دهد، بلکه با ایجاد توهم عمق، حس دلبازی را به فضا می‌بخشد. انتخاب قاب آینه نیز می‌تواند در تکمیل دکوراسیون تأثیرگذار باشد.

۲. نورپردازی لایه‌ای (ترکیبی)؛ خلق عمق و جذابیت

در یک خانه کوچک، بسنده کردن به تنها یک منبع نور، مانند یک لوستر مرکزی، می‌تواند باعث ایجاد سایه‌های تند و خسته‌کننده شده و فضا را تخت و بی‌روح نشان دهد. راه‌حل، استفاده از «نورپردازی لایه‌ای» است که شامل ترکیب سه نوع نور می‌شود:

نور عمومی (Ambient Lighting): این نور، روشنایی کلی فضا را تأمین می‌کند و پایه اصلی نورپردازی است. چراغ‌های سقفی توکار یا یک لوستر ساده می‌توانند این نقش را ایفا کنند.

نور وظیفه‌ای (Task Lighting): این نور، برای انجام کارهای خاص مانند مطالعه (چراغ مطالعه)، آشپزی (نور زیر کابینت) یا کار با کامپیوتر، متمرکز می‌شود.

نور دکوری (Accent Lighting): این نور برای تأکید بر عناصر دکوراتیو، ایجاد حس و حال خاص یا برجسته کردن بخش‌هایی از فضا به کار می‌رود؛ مثال‌های آن ریسه‌های LED پشت تلویزیون، نور داخل ویترین یا چراغ‌های دیواری ظریف هستند. ترکیب این لایه‌ها، فضایی پویا، کاربردی و چشم‌نواز ایجاد می‌کند.



۳. دیوار کوب‌ها به جای آباژور

در خانه‌های کوچک، «سطح زمین» و «سطح میزها» بسیار ارزشمند هستند و نباید با وسایل اضافی اشغال شوند. آباژورهای ایستاده یا رومیزی، فضای قابل‌توجهی از کف یا میزها را اشغال می‌کنند. با جایگزین کردن این آباژورها با چراغ‌های «دیوارکوب»، به‌خصوص مدل‌هایی که بازوهای متحرک دارند، نه تنها فضای روی میز را آزاد می‌کنید، بلکه نوری متمرکز، شیک و کاربردی برای مطالعه یا کارهای روزمره خواهید داشت و در عین حال، جنبه تزئینی نیز به دیوارها می‌بخشید.

۴. دمای نور؛ کنترل تضاد رنگی برای حس بهتر

دمای نور (که با رنگ آن سنجیده می‌شود؛ مثلاً سفید یا آفتابی) اهمیت فوق‌العاده‌ای در درک ما از فضا دارد. در خانه‌های کوچک، معمولاً ترکیب رنگی «نور خنثی» یا «سفید گرم» (بین ۲۷۰۰ تا ۳۰۰۰ کلوین) بهترین نتیجه را می‌دهد. البته استفاده از نورهای خیلی زرد و نارنجی، فضا را کوچک‌تر و دلگیر نشان می‌دهد. از سوی دیگر، استفاده از نورهای خیلی سفید و سرد (بالای ۴۰۰۰ کلوین) محیط را سرد، بی‌روح و شبیه محیط‌های اداری یا بیمارستانی می‌کند. انتخاب یک ترکیب ملایم از این دو، فضایی متعادل، صمیمی و دلباز ایجاد می‌کند.

۵. پرده‌های نازک و حداکثر استفاده از نور طبیعی

نور طبیعی، بزرگترین دوست و یار خانه‌های کوچک است. تا جای ممکن از نصب پرده‌های ضخیم، سنگین و تیره که مانع ورود نور روز می‌شوند، پرهیز کنید. استفاده از پرده‌های حریر، تور، یا پارچه‌های نازک با رنگ‌های روشن، ضمن حفظ حریم خصوصی، اجازه می‌دهد نور خورشید در تمام طول روز، به داخل خانه نفوذ کرده و فضای آن را دلباز، زنده و انرژی‌بخش نگه دارد.

بسیاری از ما تصور می کنیم برای رهایی از محدودیت‌های فضایی، ناگزیر به تغییرات ساختاری پرهزینه یا حذف وسایل ضروری هستیم؛ در حالی که کلید اصلی دلباز کردن محیط، در مدیریت هوشمندانه و اصولی نور نهفته است

۶. نورپردازی «پله‌ای» و «کف‌شور» (برای راهروها و فضاهای عبوری)

اگر خانه شما دارای راهروهای کوچک، باریک یا فضاهای عبوری کم‌عرض است، از چراغ‌های LED کوچک که در پایین دیوارها، لبه‌های پله‌ها یا حتی در کف نصب می‌شوند، استفاده کنید. این چراغ‌ها با روشن کردن سطح کف و ایجاد خطوط نوری، فضاهای باریک را کشیده‌تر و دلبازتر نشان می‌دهند و همچنین به هدایت بصری و امنیت در شب کمک می‌کنند. این تکنیک، حس مدرن بودن را نیز به فضا اضافه می‌کند.

۷. نورپردازی سقف و دیوارها

تاباندن نور به سمت سقف می‌تواند باعث شود سقف بلندتر به نظر برسد و در نتیجه، فضا وسیع‌تر جلوه کند. استفاده از چراغ‌های دیواری که نور را به سمت بالا و پایین پخش می‌کنند (مانند Wall Washer ها)، می‌تواند خطای دید ایجاد کرده و دیوارها را عقب‌تر نشان دهد. همچنین، نصب چراغ‌های خطی باریک در کنج دیوارها یا سقف، حس کشیدگی و مدرن بودن را تقویت می‌کند.

چک‌لیست نهایی برای نورپردازی موفق در فضای کوچک:

لوسترهای شلوغ و بزرگ را حذف کنید: به جای آن‌ها از نورهای خطی ساده، چراغ‌های سقفی توکار (Recessed Lighting) یا دیوارکوب‌های ظریف استفاده کنید. زوایای تاریک را شناسایی و روشن کنید: هر گوشه یا فضایی که سایه دارد، با اضافه کردن یک منبع نور کوچک (مثل نوارهای LED مخفی یا چراغ‌های کوچک) می‌تواند به فضا عمق و جلوه بیشتری ببخشد.

دیوارها را روشن کنید: تاباندن نور چراغ به سمت دیوارها (با استفاده از Wall Washer ها یا چراغ‌های Up-lighting) باعث می‌شود دیوارها وسیع‌تر از آنچه هستند به نظر برسند.

تنوع داشته باشید و کلیدهای مجزا استفاده کنید: هرگز تنها به یک کلید برق برای روشن کردن کل خانه اکتفا نکنید. ایجاد دیمر (تنظیم‌کننده شدت نور) و کلیدهای مجزا برای لایه‌های مختلف نور، کنترل بیشتری بر اتمسفر فضا به شما می‌دهد.

از نورهای مخفی استفاده کنید: نوارهای LED که در کناف سقف، پشت کمدها، یا زیر کابینت‌ها کار گذاشته می‌شوند، نوری ملایم و پراکنده ایجاد کرده و حس لوکس بودن و دلبازی را افزایش می‌دهند.

خلق «احساس فضا» به جای تغییر ابعاد

دستیابی به یک فضای ایده‌آل و دلپذیر در خانه‌های کوچک، محصول کنار هم قرار گرفتن جزئیات هوشمندانه و خلاقانه است. نورپردازی موفق، نتیجه‌ی آزمون و خطا، شناخت دقیق نقاط قوت و ضعف خانه و درک صحیح از نیازها و سلیقه ساکنین است؛ جایی که با اضافه کردن یا تغییر یک منبع نوری کوچک، می‌توان کل حس و حال اتاق را دگرگون کرد. فراموش نکنید که هدف نهایی از این ترفندها، صرفاً بزرگ نشان دادن فضا نیست، بلکه ایجاد «تعادل» میان کاربردی بودن، زیبایی‌شناسی و ایجاد یک «احساس فضا»ی گسترده‌تر و آرامش‌بخش‌تر است تا خانه‌ی شما، فارغ از متراژ، پناهگاهی گرم، سرشار از آرامش و مکانی دلنشین برای زندگی باشد. با پیاده‌سازی این چک‌لیست و نگاهی خلاقانه به گوشه‌های فراموش‌شده‌ی خانه، شما می‌توانید به جای تغییر ابعاد فیزیکی محیط، «احساس فضا» را در آن گسترش دهید. هر منبع نوری که در جای درست قرار می‌گیرد، دریچه‌ای به سوی روشنایی، انرژی و وسعت بیشتر است. اکنون زمان آن رسیده که با نورپردازی لایه‌ای، هوشمندانه و بهره‌گیری حداکثری از پتانسیل‌های طبیعی و مصنوعی نور، خانه‌ی کوچک خود را به فضایی بزرگ‌تر، دلپذیرتر و سرزنده‌تر تبدیل کنید و از اتمسفر جدید و شگفت‌انگیزی که در محل زندگی‌تان خلق کرده‌اید، لذت ببرید.